



پروپشکاسلام انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات علوم انسانی

شعر جهان

● سروده‌هایی از: میرو سلاو هولوب — کنستانتین کوافی —
پابلو نرودا — آناکراسنو ولسکاو — فدریکو کارسیالورکا و
هایکوه‌های مکزیکی

میروسلاو هولوب Miroslav Holub شاعر و مقاله‌نویس اهل چک در سال ۱۹۲۳ به دنیا آمد. در نیمه دوم دهه ۱۹۵۰ به گروه شاعران جوانی پیوست که با نشریه نوگرای کوتن همکاری داشتند. این گروه در مقابل شیوه قهرمانی و متظاهرانه‌ای که از سوی نظریه پردازان حزب حاکم ترویج می‌شد، برنامه‌ای برای انتشار شعرهای غیررمانتیک و غیرمقیدی به اجرا در آورد که به نام «شعر زندگی روزمره» شهرت یافت.

هولوب در کارش غالباً به صورت یک پژوهشگر برجسته علوم به ویژه در زمینه ایمنی‌شناسی از زندگی مردم الهام می‌گیرد و روشنی و دقت علمی در شکل‌بندی یک موضوع، برای او بیش از استعاره‌هایی اهمیت دارد که در شعرهای اولیه‌اش به چشم می‌خورد. در سال ۱۹۷۱ گزیده‌ای از شعرهایش به نام «هر چند» به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شد. بر اثر اوضاع و احوال سیاسی پس از ماجرای بهار پراگ ۱۹۶۸، دیگر نتوانست در کشور خود کتابی به چاپ برساند تا این که در سال ۱۹۸۲ به خارج از کشور رفت و در آنجا بسیاری از شعرهای جدیدش، حتی پیش از انتشار به زبان اصلی در کشور چک، به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر گردید. هولوب گذشته از شعر، آثاری طنزآمیز و مقاله‌هایی جدی با موضوع‌های گوناگون و از جمله ارتباط علم و فرهنگ نیز نوشته و منتشر کرده است.

شبیه‌سازی

زمان حال:

جماعتی از گوسفندان خوش علف خوار.

جماعتی با کلاه‌های لبه‌پهن.

جماعتی با عمامه.

جماعتی با کلاه‌های بیسبال که نقابشان به پشت سر کشیده شده است.

جماعتی با کله‌های تاس.

جماعتی با پازلفی‌های مجعد.

برگزیده‌ها، مطرودها.

دنیا روز چهارشنبه به پایان می‌رسد.

دنیا پس فردا آغاز می‌شود.

آن سوی دنیا:

چنگ‌هایی که سیم آن‌ها موی آدمی است.

بارگاه‌هایی با حوریان

اسب‌سوارانی بی‌سر.

با گام‌های رژه، سان می‌دهند،

گاز خنده‌آور به سینه فرو می‌برند،

شعله‌های آتش از سینه برمی‌آورند.

در این اثنا،

نطفهٔ یاختهٔ جسمانی

چونان شهد گیاه در ماه ژانویه، سریع به تخمک انتقال می‌یابد.

شبیه‌سازی چیزی کهنه و پیش پا افتاده است، آقایان.

شما خودتان شبیه‌سازی شده‌اید، تا اعماق وجودتان.